

تفاوت نگاه الهی و غیر الهی به خانواده

عبارت ازدواج و ترکیبات آن در قرآن مجید از واژه‌های پرکاربرد به حساب می‌آید. واژه‌های مشتق از عبارت ازدواج در قرآن مجید به معانی مختلفی چون تقارن، نزدیکی، همانندی و موضوع ازدواج مربوط بوده و هر یک به نحوی به موضوع اشتراک در اجتماع پیوند خورده اند.



عبارت ازدواج و ترکیبات آن در قرآن مجید از واژه‌های پرکاربرد به حساب می‌آید. واژه‌های مشتق از عبارت ازدواج در قرآن مجید به معانی مختلفی چون تقارن، نزدیکی، همانندی و موضوع ازدواج مربوط بوده و هر یک به نحوی به موضوع اشتراک در اجتماع پیوند خورده اند.

به گزارش سرویس اندیشه خبرگزاری رسا، خانواده به عنوان مهم‌ترین کانون تربیت و سپس اصلاح اشتباهات افراد می‌تواند مانع از وقوع انبوهی از بزه‌های اجتماعی و ارتکاب گناهان عدیده اخلاقی شود. شناخت یک خانواده طراز اسلام می‌تواند راه چگونه زیستن را به جوانانی که در کوران تهاجم فرهنگی و اجتماعی سریال‌های شبکه‌های ماهواره‌ای سردرگم هستند و قصد تشکیل خانواده را دارند، نشان دهد. شک و نفاق، خیانت و تهمت، توهین و افترا تنها چندی از رذایلی است که سریال‌های غالباً ترکی - لائیکی شبکه‌های معاند فرهنگ اسلامی با پوششی خوش رنگ و لعاب و درون تهی به خورد خانواده مسلمان ایرانی داده می‌شود.

بازتعریف غرب از خانواده، نه تنها با تعریف اسلام از زندگی زناشویی و روابط والدین و فرزندان در تضاد است، بلکه در برخی از موارد تقابل نوین غرب با خانواده سنتی مسلمان به ویژه ایرانی نمود ظاهری پیدا می‌کند. زمانی که به جامعه کنونی ایران، با دیدی عاری از خوش بینی صرف نگاهی بیاندازیم، می‌بینیم که جامعه جوان ایران، بیش از آن‌که از اسلام، قرآن و اهل‌بیت پیامبر(ص) الگو بگیرد، از فرهنگ شهوترانی غرب تأسی کرده است.

افزایش خانه‌های مجردی و زندگی افراد به شکل اختلاط جنسیتی، افزایش آمار اعتیاد به مواد مخدر و توهماً در میان قشر دختران جوان جامعه، عادی شدن دوستی‌های فرا جنسیتی فرزندان در دید والدین، رواج استعمال دخانیات همچون سیگار و قلیان در میان قشر دختر و زن ایرانی، فرار از خانه و پناه به ماشین‌های لوکس فرصت طلبان لذت جو، مصرف مشروبات الکلی به عنوان یک پز نوین تجمل‌گرایی و نگهداری از حیواناتی که با موازین اسلامی در تضاد بوده، تنها چندی از موارد تهاجم فرهنگی منحن غرب به پیکره جامعه ایرانی است.

در این زمانه جوش و خروش سبک زندگی غربی، چیزی که به وضوح قابل مشاهده بوده تغییر مرزبندی‌های فرهنگی خانواده‌های ایرانی است. هر چند که تغییر شیوه چگونه زیستن در میان همه خانواده‌های ایرانی یکسان نبوده و خیل عظیمی از خانواده‌های مذهبی ایران اسلامی همچنان پایبند به راه و روش مسلمانی هستند. اما مشاهده آسیب‌های اجتماعی برخی از خانه‌ها و خانواده‌ها بر دل ناظر بیدار، ردی از زخم افسردگی می‌گذارد.

حال باید از خود بیرسیم، چه میزان از روابط اجتماعی خانواده‌ها بر پایه قرآن کریم و سخنان اهل‌بیت(ع) استوار شده است؟ و آیا اسلام تعریف صحیح و جامعی از خانواده آرمانی مسلمان که پاک زندگی می‌کند، ارائه کرده است؟ در ابتدا به بررسی خانواده از دیدگاه غرب و اسلام پرداخته و سپس خانواده آرمانی مسلمان را با توجه به آیات و روایات مورد بررسی قرار می‌دهیم.

خانواده چیست؟

شاید نخستین سؤال همه کتب اجتماعی دوران تحصیل چنین سوالی باشد، خانواده چیست؟ اگر بخواهیم نگاهی موشکافانه‌تر به پاسخ این سؤال داشته باشیم، می‌بایست به سراغ اندیشمندان جامعه شناس غربی برویم و تعریف آن‌ها از خانواده را مورد بررسی قرار دهیم. «براکس وولاک» جامعه شناس آمریکایی در کتاب اثر شأن خانواده، کانون خانواده را این چنین معرفی می‌کند: «خانواده تجمعی از اشخاصی است که از راه پیوند ازدواج، هم خونی و پذیرش یک‌دیگر، به عنوان همسر، مادر، پدر، برادر و خواهر در رابطه بینایی و متقابل قرار دارند. آنان فرهنگ مشترکی پدید می‌آورند و در شکل ویژه‌ای با یک‌دیگر زندگی می‌کنند.» (1)

تعریف «ملاک آیر» جامعه شناس انگلیسی از خانواده، تعریفی ناکامل و ناقص بوده و معتقد است: «خانواده جمعی است که براساس روابط جنسی مشخص شده و منجر به زاد و ولد و تربیت فرزندان گردد.» (2) در واقع نگاه «آیر» به مقوله ازدواج و تشکیل خانواده بیش از آن‌که نگاهی به نحوه چگونه زیستن باشد، نگاهی ماشینی به قضیه زاد و ولد است. نگاه «آلن همو» به مقوله ازدواج و خانواده نیز نگاهی جنسی محسوب می‌شود او در کتاب خانواده و جامعه خود می‌نویسد: «خانواده پیوندی است که با ازدواج که به معنای شکلی از روابط جنسی که عرف آن را می‌پذیرد، مرتبط است.» (4)

تعریف خانواده از نظر «همو» یک تعریف کاملاً نسبی است. به این معنا که اگر عرف و جامعه روابط جنسی را بدون در نظر گرفتن ضوابط و شؤونات ازدواج به هر شکلی بپذیرد، خانواده خود به خود شکل گرفته است. بی‌تردید انعکاس نظر «همو» را می‌توان در فرهنگ جامعه غربی به خوبی دید. شاهد مثال آن فرهنگ جامعه آمریکا است که به محض فراغت از تحصیل در سن شانزده سالگی، جوانان از خانواده جدا شده و همراه با شریکان جنسی خود فارغ از مقوله ازدواج به زندگی می‌پردازند. قانون خانواده سی و سه ایالت از ایالات متحده آمریکا تشکیل خانواده بدون ازدواج رسمی را به رسمیت می‌شناسد.

در برابر این نظریات «گری لوی» خانواده را به گونه لطیف‌تری معرفی می‌کند. او معتقد است: «خانواده واحدی اجتماعی است که بر اساس ازدواج پدید می‌آید.» (3) با حال تعاریفی که غرب از کانون خانواده ارائه کرده و تنها چندی از آن‌ها به عنوان نمونه ذکر شد، تعاریفی ناقص و ناکافی است. مبحث خانواده در نظر غربیان و غرب‌زدگان همواره مبحثی پر ابهام تلقی می‌شود. مبحثی که پس از سرگیجه‌های بسیار از گفته‌های این و آن می‌توان به کناری نشست و تعریف شنیدنی‌تری از آن را در قرآن کریم جست‌وجو کرد.

خانواده در قرآن کریم

از واژه عربی «الاسره» به معنای خانواده در قرآن مجید نامی برده نشده، ولی با تدبر در آیات وحی می‌توان تعریف خانواده را از واژه‌هایی که با «الاسره» هم معنی هستند، دریافت کرد. مهم‌ترین واژه‌ای که به عنوان مضاف به کار برده شده و به همراه مضاف الیه یک جمع

انسانی را وصف می‌کند، اهل است. اهل البیت، اهل الکتاب، اهل القری و اهل المدینه چندی از این عبارات هستند. با این نگاه، هر گاه واژه اهل به شخص یا ضمیری که حاکی از شخص است مضاف شود، معنای خانواده تحقق پیدا می‌کند. بنابراین با در نظر داشتن کاربرد این واژه در قرآن مجید می‌توان به تعریف خانواده در قرآن مجید دست یافت. با تدبر در آیات این مصحف مبارک می‌توان به چنین نتایجی رسید؛

نخست، آیه 33 سوره مبارک عنکبوت از سرنوشت همسر حضرت نوح خبر می‌دهد: «إِنَّا مُتَجَوِّكٌ وَأَهْلُكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ؛ ما تو و خانواده‌ات را جز همسرت نجات خواهیم داد.» (4) این آیه نشانگر آن است که خداوند تبارک و تعالی همسر را یکی از اعضای خانواده معرفی کرده و در این آیه او را (همسر حضرت نوح) از شمار اعضای خانواده که نجات می‌یابند، جدا می‌سازد. آیه 32 این سوره مبارک نیز می‌فرماید: «قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَنَجِّنِيَّهٗ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَافِرِينَ؛ (ابراهیم) گفت: در این آبادی لوط است. گفتند: ما به کسانی که در آن هستند آگاه‌تریم. او و خانواده‌اش را نجات می‌دهیم، جز همسرش که در میان قوم باقی خواهد ماند.» (5) این آیه نیز سرنوشت حضرت لوط (ع) و خانواده‌اش را نجات از عذاب الهی معرفی کرده، اما همسر لوط را از نجات یافتگان مستثنی می‌کند.

«احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلُكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ؛ از هر جفتی از حیوانات یک زوج در آن حمل کن. هم چنین خاندانت را، مگر آنان که پیش از این وعده هلاکت آنان داده شده است.» (6) در این آیه نیز از استثنا برای همسر و فرزند حضرت نوح (ع) استفاده شده، حاکی از آن است که این دو نیز جز اهل و خانواده محسوب می‌شوند.

در نتیجه می‌توان این‌گونه گفت که زندگی به تنهایی، شکل دهنده خانواده نیست.

دوم، قرآن مجید، زنی که به عقد مرد در آمده است را «أمرأة» معرفی می‌کند. لفظ «أمرأة» به هر زنی اطلاق نشده و تنها به زنان شوهردار گفته می‌شود. پس با توجه به آیات بالا می‌توان این موضوع را استنباط کرد که تنها زن و مردی قادرند خانواده تشکیل دهند که به شکل شرعی به ازدواج یک‌دیگر در آمده باشند.

سوم، کامل کننده اعضای خانواده، فرزندان هستند. حضرت نوح (ع) کنعان را چنین می‌خواند: «إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي.» (7) از سوی دیگر افزون بر پسران، دختران نیز از افراد خانواده به شمار می‌آیند. قرآن کریم درباره جدایی حضرت مریم (س) از خانواده‌اش می‌فرماید: «اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّخَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا؛ و در این کتاب [آسمانی] مریم را یاد کن، آن هنگامی که از خانواده‌اش جدا شد و در ناحیه شرقی قرار گرفت.» (8)

چهارم، از سوی دیگر برادران و خواهران نیز جزئی از خانواده محسوب می‌شوند. همانگونه که حضرت موسی (ع) به خداوند عرض کرد و وزیری از خاندانم برای من قرار ده؛ برادرم هارون را «وَأَجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي، هَارُونُ أَخِي» (9) قرآن کریم افزون بر همسر، خواهر، برادر و فرزند، عروسان فرزندان را نیز در زمره خانواده قرار داده است.

چگونگی تشکیل خانواده

نگاه جامعه‌شناسان غربی به مقوله چگونگی تشکیل خانواده در نخستین سال‌های حیات بشری در مجموع به دو بخش عمده تقسیم می‌شود؛ گروه نخست، به رهبری «باچوفن» جامعه‌شناس معتقد بودند، مراحل رشد و گسترش بشریت با اختلاط جنسی همراه بوده است. او می‌نویسد: «در ابتدا انسان به شکل گروهی گله‌وار، با اختلاط جنسی (هرج و مرج) زندگی می‌کرد. خانواده پس از دوره اختلاط جنسی به شکل امروزی درآمد و پیش از آن روابط فرد هرج و مرج گونه بود؛ هیچ مرد و زنی همسر یک‌دیگر شناخته نمی‌شدند و همگی با کمک یک‌دیگر از فرزندی که پدر مشخصی نداشتند نگهداری می‌کردند!» (10)

گروه دیگر مخالف با نظریه دوره اختلاط جنسی بودند. جامعه‌شناس سرشناس آمریکایی «ادوارد وستر مارک» معتقد است: «خانواده همیشه وجود داشته و بشریت هرگز در مرحله گله‌وار، زندگی نکرده است.» (11) داستان خلقت و زندگی حضرت آدم (ع) در قرآن کریم و دیگر کتب آسمانی نشان دهنده نادرستی نظریه گروه نخست است. داستان زندگی حضرت آدم (ع) و حوا و حوادث پیش آمده برای فرزندان هابیل و قابیل مؤید آن است که هیچ‌گاه اختلاط جنسیتی در میان انسان‌های نخستین وجود نداشته است.

مفسران قرآن کریم بر این باورند که خداوند تبارک و تعالی دو عامل را برای دشمنی قابیل با هابیل ذکر کرده است؛ یکی از این دو عامل آن است که حضرت حوا در هر بار فراغت از بارداری، دو فرزند - یک پسر و یک دختر - به دنیا می‌آورد. از دو زایمان حضرت حوا دو دختر و دو پسر به دنیا آمدند که پسر زایمان نخست با دختر زایمان دوم و پسر زایمان دوم با دختر زایمان نخست ازدواج می‌کرد. قابیل شیفته زیبایی خواهر دو قلوی خود بود و معترضانه خواستار ازدواج با او شد. به پدر عرض کرد که ازدواج هابیل با خواهرم دروغی است که تو خواسته‌ای و این ازدواج خواست خدا نیست. حضرت آدم (ع) پاسخ داد که هر یک از دو برادر قربانی‌ای آماده کنند و نزد خداوند تقدیم کنند تا چاره کار این‌گونه مشخص شود. خداوند قربانی هابیل را پذیرفت و قربانی قابیل را آتش زد. این‌گونه بود که قابیل از روی حسادت، برادرش هابیل را کشت. (13)

با این همه، فطرت انسانی اختلاط جنسی را نه تنها نفی می‌کند، بلکه آن را موضوعی قبیح شمرده و از اخلاق انسانی به دور می‌داند.

اشکال خانواده‌ها

با بررسی اسناد تاریخی و آثار گذشتگان می‌توان نگاه موشکاف‌تری به خانواده و اشکال مختلف آن داشت. خانواده‌های زن و شوهری، خانواده‌های چند همسری، خانواده‌های چند شوهری، خانواده‌های گسترده، خانواده‌های مرکب و... از این نوع هستند. همان‌گونه که آثار پیشینیان و تاریخ باستان شواهدی از وجود چنین تجمعات اجتماعی را به نمایش می‌گذارد، آیات قرآن کریم نیز می‌تواند نمایان‌گر شکل خانواده در طول زمان باشد.

خانواده متشکل از چندین همسر

خانواده‌ای که یک شوهر چندین زن را به همسری برمی‌گزیند، را خانواده چند همسری می‌نامند. اگر بخواهیم در تاریخ بشریت کنکاش کنیم، این نوع خانواده در زندگی بسیاری از پیامبران دیده می‌شود. حضرت ابراهیم (ع) با تشکیل خانواده‌ای با دو همسر، خانواده‌ای چند همسری را شکل می‌دهد. همسر نخست آن حضرت «ساره» و همسر دوم ایشان «هاجر» نام داشت. از سوی دیگر خانواده حضرت سلیمان (ع) و حضرت یوسف (ع) نیز خانواده چند همسری است. کتاب آسمانی مسلمانان در این‌باره می‌فرماید: «يَا نِسَاءَ الْتَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ؛ ای همسران پیامبر، هر کدام از شما گناه آشکار و فاحشی مرتکب شود، عذاب او دو چندان خواهد بود و این برای خدا آسان است.» (14)

آیه دیگر می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ؛ ای پیامبر، به همسرانت و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: جلباب‌های خود را بر خویش فرو افکنند.» (15) خانواده‌های چند همسری در صدر اسلام نیز به وفور وجود داشتند. از آنجایی که در این زمان قشر زن جامعه ضعیف، ناتوان و درجه دو محسوب می‌شد و از حقوق انسانی برخوردار نبوده و زندگی‌شان از کمترین امکانات رفاهی بی‌بهره بود. هر چند که اسلام اصل چند همسری را نهی نکرد، ولی برای اختیار چند همسر به شکل همزمان، محدودیت‌هایی را قائل شد تا بی‌عدالتی و بغض در میان آنان به وجود نیاید.

قرآن در این باره می‌فرماید: «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَتَى وَثَلَاثَ رُبَّاعٍ فَلَنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُعَدِّلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أُذُنِي أَلَّا تَعُولُوا؛ با زنان پاک ازدواج نمایید دو یا سه یا چهار همسر، و اگر می‌ترسید عدالت را رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید و یا از زنانی که مالک آن‌ها باشید استفاده کنید. این کار، بهتر از ظلم و ستم جلوگیری می‌کند.» (16) بر اساس این آیه، بسیاری از مردانی که قصد اختیار کردن بیش از یک زن را داشتند، از بیم افتادن در گناه رفتار ناعادلانه، از این کار منصرف شده و افرادی نیز که مدعی اجرای عدالت بودند، از اختیار کردن همسرانی بیش از چهار تن منع شدند.

خانواده‌های ترکیبی، در تاریخ بشر دارای سابقه‌اند. حضرت ابراهیم(ع) پس از اختیار کردن هاجر به همسری، زندگی مشترکی همراه با دو همسرش آغاز می‌کند که با تولد حضرت اسماعیل(ع) نظام چنین خانواده‌ای حسادت «ساره» متزلزل می‌شود. حضرت ابراهیم(ع) ناگزیر از وضع موجود از خانواده ترکیبی صرف‌نظر کرده و هاجر و حضرت اسماعیل(ع) را روانه صحرا می‌کند.

زن سالاری در خانواده‌های پیشینیان

تاریخ شاهد وجود خانواده‌هایی بوده است که زن به عنوان رئیس آن شناخته می‌شد. مصر باستان، جایگاه زن را به دلیل توان باروری مقدس شمرده و آن‌ها را تکریم می‌کردند. در آن برهه زمانی، زنان حق فعالیت در خارج از خانه را داشته و در مقابل مردان، وظیفه خانه‌داری، بافندگی و تربیت فرزندان را داشتند. قدرت مالی و توان شخصیتی زنان به حدی بود که فرمان‌پذیری شوهر از همسرش نه تنها یک امر عادی تلقی می‌شد، بلکه جزئی از شروط ازدواج در نظر گرفته شده بود. (17)

در آن زمان نه تنها فرمان‌پذیری مردان در میان عموم جامعه مصر باستان رواج داشته است، بلکه در میان اعیان و فرمانروایان مصری نیز از حقوق زنان شناخته می‌شد. در خانواده فرعون، نقش حضرت آسیه(س) به حدی بود که توانست امر حکومتی فرعون را نادیده گرفته و حضرت موسی(ع) را به فرزندخواندگی بگیرد. «وَقَالَتِ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ قَرَّتْ عَيْنٌ لِي وَلَكِ لَا تُقْتُلُوهُ عَسَىٰ أُنْتَفَعْنَا أَوْ تَخَذَهُ وَلَدًا؛ همسر فرعون گفت: نور چشم من و توست! او را نکشید شاید برای ما مفید باشد، یا او را به عنوان پسر خود برگزینیم.» (18)

در احسن القصص نیز نشانه‌های توانمندی زنان مصر را می‌بینیم. با آن‌که همسر «زلیخا» از گناهکاری او آگاهی دارد، او را مجازات نکرده و به دستورش که همان در بند کردن حضرت یوسف(ع) است، تن می‌دهد. از سوی دیگر عزیز مصر از «زلیخا» طلب استغفاری می‌کند که هیچ‌گونه شدتی در خواسته او نمی‌بینیم. قرآن می‌فرماید: «يُوسُفُ أَعْرَضَ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ إِنَّكِ كُنتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ؛ یوسف! از این موضوع صرف نظر کن! و تو ای زن نیز از گناهات استغفار کن که از خطاکاران بودی.» (19) داستان زندگی حضرت سلیمان(ع) نیز مملو از قدرت زنان آن عصر است. «بلقیس» در آن زمان فرمانروا بوده و به زنان دیگر مقام و منزلتی وصف ناشدنی می‌دهد.

خانواده‌های گسترده

در این نوع از خانواده‌ها، نسل‌های متفاوت با یک‌دیگر زندگی می‌کنند. در خانواده‌های گسترده به طور معمول پدر، پسر و فرزند همراه با خانواده‌هایشان در کنار یک‌دیگر زندگی کرده و منابع مالی و مخارج مشترکی دارند. در این نوع خانواده‌ها پدر رئیس خانواده بوده و سخن او به منزله قانون در این نوع خانواده‌ها تلقی می‌شود. خانواده‌های گسترده تا قرن پیش نیز وجود داشته و شکلی مطلوب از خانواده آرمانی محسوب می‌شدند. (20)

با تدبیر در قرآن کریم در می‌یابیم که این نوع خانواده در میان پیشینیان نیز رواج داشته است. داستان زندگی حضرت یعقوب(ع)، پسرانش و فرزندان آنان شاهدهی بر این مدعا است. در داستان زندگی حضرت یعقوب(ع) فرزندان دامن‌داری پیشه کرده بوده و روزانه گوسفندان را به چرا می‌بردند. این خروج دسته جمعی برای چرای گوسفندان که نمود اصلی آن در ابتدای سرنوشت حضرت یوسف(ع) هویدا بوده، نشانه‌ای بر تأمین هزینه‌ها از سوی همه افراد خانواده است.

از سوی دیگر سفر گروهی برادران به سوی مصر برای دریافت آذوقه زمان قحطی که به دستور پدرشان صورت گرفت، نشان از وجود خانواده گسترده دارد. اگر کمی به عقب بنگریم و داستان حضرت نوح(ع) را بازخوانی کنیم، در می‌یابیم که ایشان نیز به همراه همسر، فرزندان و همسرانشان زندگی کرده و به کمک آن‌ها کشتی نجات را ساخته‌اند.

ازدواج در طول تاریخ

عبارت ازدواج و ترکیبات آن در قرآن مجید از واژه‌های پرکاربرد به حساب می‌آید. واژه‌های مشتق از عبارت ازدواج در قرآن مجید به معانی مختلفی چون تقارن، نزدیکی، همانندی و موضوع ازدواج مربوط بوده و هر یک به نحوی به موضوع اشتراک در اجتماع پیوند خورده‌اند. آن‌جا که قرآن می‌فرماید: «وَرَوَّجْتَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ؛ و آنان را با حور العین تزویج می‌کنیم.» (21) در آیه دیگر نیز می‌فرماید: «أَوْ يَرْوِّجَهُمْ ذَكَرَانَا وَإِنَّا نَآئِبٌ عَنْ يَشَاءٍ عَقِيمًا؛ یا پسر و دختر را برای جمع آنان جمع می‌کند و هرکس را بخواهد عقیم می‌گذارد، زیرا که او دانا و حکیم است.» (22)

همچنین قرآن تأکید می‌کند: «فَلَمَّا قَضَىٰ زَيْدٌ مِّنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاهَا لِكُلِّ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا؛ هنگامی که زید نیازش را از آن زن به سر آورد، ما او را به هم بستری درآوردیم تا مشکلی برای مؤمنان در ازدواج با همسران پسرخوانده‌هایشان - هنگامی که طلاق گیرنده، نباشد.» (23) لازم به ذکر است که در آیات بالا «زواج» به معنای پیوند زناشویی و ازدواج است.

انواع ازدواج در سیر تاریخ

بر اساس اسناد و آثار به جا مانده از گذشتگان، ازدواج در اشکال و انواع مختلف برای پیشینیان معنا و مفهوم داشته است. انواع مختلفی که ذکر چند نوع آن جای بسی تأمل دارد.

ازدواج سارقانه

در گذشته دور نوعی از ازدواج به شکل سارقانه و ربایشی وجود داشت که در آن پسر، دختر دلخواه خود را می‌ربود و علیرغم مقاومت دختر و خانواده‌اش با او ازدواج می‌کرد. جالب آنجاست که همچنان این نوع ازدواج در برخی از اقوام آسیایی و آفریقایی رواج دارد.

ازدواج پس از اسارت

ازدواجی که از نتیجه جنگ و اسارت به وقوع می‌پیوست، ازدواج اسارتی می‌گفتند. پس از آن‌که طرف مغلوب به خاک و خون کشیده می‌شد، زنان و دخترانشان به همسری طرف غالب در می‌آمدند.

ازدواج معامله‌ای

اروپا، شمال آمریکا، هند و عربستان سعودی خاستگاه نوعی از ازدواج بودند که پیش از هر چیز به یک معامله سودآور شباهت داشت تا به یک ازدواج عادی. در این نوع ازدواج، مرد، همسر دلخواه خود را از طریق خرید و فروش به دست می‌آورد.

ازدواج موقت

یکی دیگر از انواع ازدواج که تاکنون نیز به حیات خود ادامه داده، نوع موقت آن است. وصلتی که در برخی موارد پرتطرفدار و از سوی دیگر تاریخ مصرف گذشته تلقی می‌شود. در این نوع از ازدواج، همسر ارثی از شوهر نبرده، به او نفقه تعلق نگرفته و از حقوق یکسان با همسر دائم برخوردار نیست. با این حال پرداخت مهریه به او امری واجب است. قرآن نیز در این باره می‌فرماید: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْقَرِيبَةِ؛ و زناى که متعه مى‌کنید، واجب است مهر آن‌ها را بپردازید و گناهی بر شما نیست در آن چه بعد از تعیین مهر با یکدیگر توافق کرده‌اید.» (24)

ازدواج مبادله‌ای

در ازدواج مبادله‌ای، شوهر برای ازدواج با دختر دلخواه خویش، می‌بایست خواهر یا دختر خود را به عقد خانواده مقابل درآورد. هم اکنون می‌توان ردی از این نوع ازدواج را در مناطق بلوچ ایران دید.

ازدواج امانتی

در نوع دیگر و عجیب ازدواج‌ها، ازدواج امانتی قرار داد. ازدواجی که سرپرست خانواده همسر خود را در اختیار مردی دیگر می‌گذاشت تا صفات شخصی و شمایی او را به دست آورد. غالباً مردانی برای این عمل انتخاب می‌شدند که زیبا، جنگ‌آور و خوش بنیه باشند. این گونه فرزندان همسر نیز دارای همین صفات می‌شدند.

ازدواج گروهی

در ازدواج گروهی که در پیش از اسلام رواج معمولی داشته است، چند مرد با یک زن، یا چند مرد با چند زن مشترکاً زندگی می‌کردند. معمولاً شوهران گروهی نفقه زن را می‌پرداختند.

ازدواج معاوضی

ازدواج معاوضی از دیرباز در میان مردم وجود داشته و در برخی از مناطق جهان نیز همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد. در این نوع ازدواج، مردان همسران خویش را با یکدیگر معاوضه کرده و در اختیار یکدیگر قرار می‌دهند.

ازدواج ارثی

پیش از ظهور اسلام در جزیره العرب زنان همچون کالا خرید و فروش شده و از اموال میت محسوب می‌شدند. در نتیجه وراثت با محارم خود پیوند زناشویی می‌بستند و یا آن‌که آنان را در برابر مبالغی به ازدواج دیگران در می‌آوردند. در مطلبی آمده: «كَانَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَ فِي أَوَّلِ الْإِسْلَامِ إِذَا مَاتَ الرَّجُلُ وَ لَهُ أَمْرَأَةٌ جَاءَ ابْنُهُ مِنْ غَيْرِهَا أَوْ قَرَابَتُهُ مِنْ عَصْبَتِهِ فَأَلْفَى ثَوْبَهُ عَلَى تِلْكَ الْمَرْأَةِ فَصَارَ أَحَقُّ بِهَا مِنْ نَفْسِهَا وَ مِنْ غَيْرِهِ فَإِنْ شَاءَ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا تَزَوَّجَهَا بِغَيْرِ صَدَاقٍ إِلَّا الصَّدَاقَ الَّذِي أَصْدَقَهَا الْمَيْتُ وَ إِنْ شَاءَ زَوْجَهَا غَيْرَهُ وَ أَخَذَ صَدَاقَهَا وَ لَمْ يُعْطِهَا شَيْئاً» (25) این نوع ازدواج پس از ظهور اسلام ممنوع شده و در شمار ازدواج‌های حرام قرار گرفت. قرآن کریم نیز می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرْهًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای شما حلال نیست که از زنان از روی اکراه ارث ببرید.» (26)

آیات «وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا؛ با زنانی که پدران شما با آن‌ها ازدواج کرده‌اند، هرگز ازدواج نکنید، مگر آنچه در گذشته انجام شده است، زیرا این کار عمل زشت و تنفرآور و راه نادرستی است.» (27) و «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمُ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ...؛ حرام شده است بر شما، مادرانتان و دختران و خواهران و عمه‌ها و خاله‌ها و دختران برادر و دختران خواهر شما و مادرانی که شما را شیر داده‌اند و خواهران رضاعی شما و مادران همسرانتان.» (28) از دیگر آیاتی است که ازدواج ارثی را ممنوع کرده است.

ادامه دارد...

سارا دانیال /704/9466/

منابع:

1. باقر ساروخانی، مقدمه‌ای بر جامعه شناسی خانواده، ص 135.
2. همان.
3. همان، ص 136.
4. عنکبوت، آیه 33.
5. عنکبوت، آیه 32.
6. هود، آیه 40.
7. همان، آیه 45.
8. مریم، آیه 16.
9. طه، آیات 29 و 30.
10. شهلا اعزازی، جامعه شناسی خانواده، ص 14.
11. همان، ص 15.
12. مائده، آیه 27.
13. فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج 8، ص 206.
14. احزاب، آیه 30.
15. همان، آیه 59.
16. نساء، آیه 3.
17. ثریا مکنون، و مریم صانع پور، بررسی تاریخ منزلت زن از دیدگاه اسلام، ص 27.
18. قصص، آیه 9.
19. یوسف، آیه 29.
20. قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج 4، ص 66.
21. شهلا اعزازی، جامعه شناسی خانواده، ص 10.
22. دخان، آیه 54.
23. شوری، آیه 50.

24. همان، آیه 24.
25. واحدی، اسباب النزول، ص 84.
26. نساء، آیه 19.
27. همان، آیه 22.
28. همان، آیه 23.